

صاحب امتیاز و مدیر مسئول : داور نماینده دارالشورای ملی

این روز نامه بدون نقاضی کتبی برای کسی از سال نمیشود

وجه اشترک :

سالانه	ششماهه	سه ماهه
داخه	۱۰۰ تریان	۵۵ تریان
خارجه	بلاوه اجرت پست	۳۰ تریان

قیمت مک شماره ۵ شاهی است

محل اداره : طهران خیابان علاء الدوله

# مرد آزاد

## یا وراثت یومیه

۳ جوزا

دیروز رئیس محترم مجلس دوستانه به مستوفی اطلاع داد که اکثریت مخالف با دولت است. مستوفی در جواب گفت که من نیروم!

این جواب را چه قسم تعبیر باید کرد؟ حکومت ایران تابع چه اصولی است؟ اکثریت مجلس حاکم است یا اقلیت هوچی؟

اگر قوام السلطنه زمام دار بود و همچو جوابی میداد فریاد [احرار] بسلطه میرفت - علم سبیا بلند می کردند - برای مشروطیت مجلس ختم می گذاشتند - با کردن کج و صدای اشک الود عزایه قانون اساسی را می گرفتند.

ولی مستوفی این جواب را میداد و [احرار] سرب می جنبانند = تصدیق میکنند و خجالت نمی کشند.

چرا؟ برای اینکه [احرار] و آزادی طلب و فدائی مشروطیت و همه این لقب های نوظهر برای جاه و مقام و ریاست است = مردم حلال کوشش مفت بدام افتادند! منکر نشوید - زود نکو نیند - درست دقت کنید - مسلما تصدیق خواهید کرد!

تا در بار سلطنت منع فیض بود: تا مقام و منصب و مستوری همه از انجا می رسید - ارقه ها = فدائی شاه می شدند - به ( خاک پای مبارک ) قسم می خوردند - همه به خانه زاد کی افتخار داشتند و حتی به فحش شنیدن از شخص سلطان مباحات می کردند.

از وقتی که منبع فیض در بازار سر درآورد = ورق پرکش : ملت پرستی شغلی رسمی حقه بازها شد.

شب [خانه زاد] خوابیدند -

صبح [زادی پرست] بلند شدند. قضیده های [ملی] ساختند = روضه خوانی [مشروطه] بر پا کردند - برای قسم دکتر صیبه [بسر شاه] را مناسب ندیدند [به روح زادی] قسم خوردند و به ( خاک پاک شهدای ملت ) ولی مقصود همان کسب جاه و مقام بود و بس : رفتار امروز مستوفی و احرار دو آتشه بی که این همه سنگ قانون اساسی را به سینه میزدند شاهد و گواه است.

اگر واقعا قانون خواهی در مملکت ما جز وسیله کسب ماش چیز دیگری بود خود طرفداران مستوفی می رفتند و به این بی نوا می گفتند [پشت از این اقتضاح لازم نیست ما اکثریت نداریم شما باید بروید.]

ولی چون تمام این نوحه سرانی ها برلی فریختن عوام بود - چون از اظهار علاقه با اصول مشروطیت جز کاروریاست و طلای مسکوک منظوری نداشتند = بر خلاف اصول حکومت شوروی مستوفی را بمخالفت با قانون اساسی تشویق می کنند = و دستور میدهند که [به اکثریت اعتنا نکن - مثل بده - مقام ببخش = از رشوه دادن پرهیز نداشته باش - بهر شکل هست بمان = بهر وسیله هست خودت را نگاهدار]!

مستوفی بهر حال از این رویه جز ضرر هیچ حاصلی نمی برد = در این مسئله ما تردید نداریم.

نگرانی ما از این است که این کات زشت در آینه دیگران را هم تشویق میکند = قانون اساسی ملحه وزرا خواهد شد.

مالز این ترس داریم که یک رئیس الوزرای دیگری هم بخیاں تجدید همین حقه بازیه ها بیفتند و قانون اساسی بخنند.

اگر تمایلات مجلس کم کم طرف بی اعتنائی دولت ها شد به مشروطیت نیم رخ ایران فاتحه باید خواند.

مستوفی و رفقای مستوفی این آتیه را برای خودشان و ما همه دارند - ندانسته تهیه می کنند

داور

## سیاست و خارجه

اروپا

سیاست جدید ( پوانکوه ) رئیس الوزرای فرانسه نسبت با آلمان - که در موقع تصرف ناحیه ( رور ) تولید آفتقد اضطراب نمود - سایر زمامداران اروپا را تشویق کرد. طرفداران این سیاست در انگلستان بر مخالفین خود نوبت پیدا کردند.

( بنارلا ) رئیس الوزرای ملبورم انگلستان در اقلیت ماند. استعفاش لازم شد.

لرد ( کورزن ) عجاله جانفین او میشود بی سیم مسکوک حق داراقتضار دهد که استعفا ( بنارلا ) مربوط به قضیه روسیه و آلمان میباشد معنی این اظهار چیست؟

- اینکه فرانسه با موافقت انگلستان و روسیه تعقیب خواهند کرد.

مذاکرات بین ( کراسین ) نماینده روسیه و [ کورزن ] خیلی واضح بوده است. امروز ما نازه می فهمیم که انگلستان اخصار نمایندگان روسیه را از طهران و کابل نقاضا کرده است. مهمتی که انام حجت انگلستان داده بود روز چهارشنبه منقضی شد. تصور می رود روابط روس و انگلستان قطع شود. اگر چنین حادثه ای رخ دهد وضعیت حکومت ساوت بسیار دشوار خواهد بود.

چرا؟

زیرا که اگر انگلستان حاضر به قطع روابط شده از طرف عثمانی اطمینان پیدا کرده و قیل از دادن اولتیماتوم با ترک ها توافق نظر حاصل نموده است. بنا بر این روسیه بکلی تنها است.

از طرف دیگر تبلیغات اشتراکی برای ملت کرسنه روس چندین روز با بحال تمام شده و هیچ نتیجه ای نبخشیده است. این مسئله به اجتماع عیون عالم ثابت کرده است که رژیم اشتراکی اصول سرمایه - داری را از بین نمی برد بلکه - بعکس - اجتماع عیون را ضعیف و ذلیل میکند.

مردم بحال احساس کرده اند که ( کمونسم ) با سم رنجبران بهتر ظلم و استبداد میکند تا کاپیتالیسم.

اشتراک عیون روس بطور غیر عادی حکومت روسیه را در حیطه تصرف در آورده این مسئله برای سایر ملل درس عبرت شد که دیگر نگذارند یک اقلیت اشتراکی (یا بورژوازی) بر سایرین لحکم کند.

دیگر حرفهای زیبا و قشنگ روس ها که ما حامی مالی ضعیفه هستیم - ما از ملل مشرق زمین دفاع می کنیم کسی را فریب نخواهد داد.

صاح عثمانی جلو این حرف ها را خواهد گرفت. سیاستی هم که همسایه ما نسبت به ما اتخاذ کرده ایرانی هارا بیدار خواهد کرد.

اولتیماتوم انگلستان قابل توجه است زیرا حالت روحی اروپا را نشان میدهد. ثابت می کند که در اروپا از ( کمونسم ) باک ندارند از انقلاب عمومی هراسانگ نیستند.

اکنون که اروپا از این خیال مدعش فراغت پیدا کرده سیاست روشنی اتخاذ نموده:

حرکات و اعمال روسیه را مورد تعرض قرار دهد - اطمینانات و مواعید روسیه را واقع نمیکند از زیر اطمینانده کمپنهای دولت ساوت از اعضاء رسمی بین الملل مسکو - یا ارکان حزب انقلاب عمومی هستند.

حال روسیه یا به جدائی و تنهایی کامل تن خواهد داد یا رژیم قابل تحمیلی برای خود ایجاد خواهد کرد.

بسال آخره باید گفت که انگلستان حتما موافقت متعین را در دادن ( اولتیماتوم ) نخواهد کرده است. بدیهی است که قوه نظامی روس را هتم کاملا سنجیده اند. شاید سر کشی ماشال ( فتن ) به قشون لهستان - در سرحد روسیه برای تهیه همین انام حجت بوده!

شاید باز دید قشون رومانی [در بارابری] برای پیش پینی از عملیات خصمانه بوده است!

## تولد بدون نواد

در ۱۸۶۲ آکادمی علوم پاریس اعلام کرد که هر کس اطلاعات تازه ای را چه به نسل خود رو بدهد - مبلغ دو هزار فرانک به عنوان جایزه باو خواهد داد.

در این موقع ( پاستور ) نایب رئیس دارالمعلمین عالی پاریس بود. وقتش را صرف کشف این مسئله می کرد که ذرات کوچکی که موجب تخمیر می شوند از کجا و چگونه بوجود می آیند؟

بقول ( یوشه ) - بخودی خود می رویند؟ - یا از هوا داخل می شود؟

پیش از [ پاستور ] علمائی که در این خصوص مشغول اکتشافات می شدند - یک خیال ثابتی قبلا در دماغ داشتند و سعی می کردند تجربیات خود را طوری ترتیب دهند که بان خیال ثابت برسند. [ پاستور ] - بعکس - هیچ خیال ثابتی قبلا در دماغه خود نداشت و فقط مایل بود حقیقت را پیدا کند. با این منظور ابتدا قدری پنجه گرفت - آن را در مخلوطی از جوهر و کرد و نیزاب فرو برد - در وسط لوله ای از شیشه جای پوداد - مقداری هوای جوزا از میان آن گذراند. باین ترتیب ذراتی که در هوا بودند بوسله پنجه مذکور گرفته شدند. این پنجه را - بهمین حالت - در مخلوطی از [ انرا ] محلول کرد. چه به دست آورد؟

- هم مواد معدنی پیدا کرد - هم تخم قارچ و موجودات دیگری که ممکن است بمبدل بدی روح شوند.

[ پاستور ] قدری قسم را فراموش گذاشت. بوسله تجربیات متعدده ثابت کرد که یک مایعی که فاسد شدنی باشد مثل آبگوش - تا زمانی که از آن نوع هوای آزاد محفوظ است و در مجاورت آن ذرات نیستند - ممکن است چندین سال بماند و در اینحال تخمیری در آن درده نخواهد شد. اما به محض اینکه یک جوزا آن پنجه کدائی نوبی آن انداختند فوراً تخمیر پیدا کرده هزاران ذرات متحرک بوجود می آید. این تخمیر محلول - یعنی این پدیدار شدن خوا فات در سطح آب گوشت - بواسطه ذراتی است که در هوا موجود بوده و بوسله پنجه گرفته شده است. همین که این ذرات - قابل تولد - زمینه مساعدی برای تولد بدست آورده بنای نو گذاشتند.

این بود نتیجه تجربیات ( پاستور ) - مخالفین باین عقیده اعتراض کردند که ممکن نیست در این مقدار کم از هوا - که شما از لوله شیشه کدرا ندیده - این قدر ذرات موجود باشد و تولید این همه حیوانات بکنند!

( پاستور ) از حرف مخالفین با یوس نشد. تجربیات و اکتشافات خود را با تمام و صبر حیرت آوری ادامه داد. یک قرعی که دهنه آن متصل به لوله پیچ خورده ای بود برداشت. در آن قدری آبگوش ریخت. آن قدر حرارت داد تا بجوش آمد. بعد - آنرا بحالت خود گذاشت هر چه انتظار کشید حیوانی پدیدار نشد. گفت علتش اینست که بواسطه گرم کردن قرع هوای معمولی اش خارج شد. هوایی که بعد داخل شد چون از چندین پیچ و خم عبور کرد - ذرات خود را در آنجا گذاشت.

باین جهت متحرکی بوجود نیامد. در این حال - قرع را قدری کج کرد - آبگوش داخل پیچ و خم لوله

شد. در آنجا ذرات هوا مجاور کت فوراً موجوداتی بحرکت آمدند. (پاستور) ازاین تجربه ازهمان نتیجه فوق را گرفت. مخالفتش باز همان نامه هارا ازتوسروودند مگر پاستور باین حرف هازامیدان دمیرفت؟ خبر (پاستور) مقاومت کرد - اسرار ورزید - ابرام نمود - زیرا مبدانت حقیقت باواست و بالاخره فتح و ظفر نصب اوخواهد شد. صدق اعلم

اداره شورای ملی

خلاصه مذاکرات در جلسه یوم پنجشنبه ۳ جوزا ۱۳۰۲ مجلس یک ساعت و نیم قبل از ظهر در آنحضرت ریاست آقای مؤلفین الملک تشکیل شد صورت مجلس روز گذشته قرائت و تصویب شد

آقای رئیس فرمودند که آقای عمادالملک یک ماه اجازت مرخصی خواسته اند کشتیون برایش و مرخصی از پنج بجای الی آخر پنج ضروب نموده است بایدس اخذ رای شود

انجمن لوپن

مجلس (دربوا) شلای به ناشناس داده با کمال خوشحالی از منازعه خارج شد و لی هنوز ده قدم نرفته بود که نلسا شناس با ملحق گردید با کمال ادب اظهار کرد: آقا مرا به بخشید زیرا می خواهم مطلبی را از شماستفسار نمایم آیشما فقط بخیال خریدن همین چیز بزرگ باین منازعه رفته بودید؟

جلیک فقط خارج قیمت مبالغ ذیل خواهد بود بده جلیک های استخراج شده قیمت حقیقی مزبور عبارت است [۱] قیمت نفت سفید شده که عبارت است از مزد عملیات جیات و مخارج سوخت و آماده کردن آن (ب) مخارج سفید و حمل و حاضر کردن برای فروش در ایران (ج) مخارج اداری و دفتر داری و نظارت در ایران (د) استلاک سرمایه مصروفه برای احداث کارخانه جیات و مازولایی که در معرض استعمال و برای تحصیل نفت و سفید و فروش آن بوسیله این قرار داد لازم است از قرار سالی دوآزده و نیم تاوقتی که سرمایه مصروفه بالغ به صدی صد شود (ذ) پنج سرمایه مصروفه از قرار نرخ سالیانه ۷ مادامیکه سرمایه مزبور مستهلك نشده است

انجمن شهر

روز گذشته آقایان وزرا مقارن ظهر بدربار آمده پس از صرف نهار در اطاقی جلیه در اطراف مین نشسته بلا تکلیف بهم نگاه میکردند کاهی فلنجی بیفت اطلاع میداد که الان آقایان فلان نقطه هستند این حالت لاکبتلی از ظهر الی یکساعت بنورب مانده دوام داشت سپس آقایان وزیر متفرق شدند

روز گذشته آقایان وزرا مقارن ظهر بدربار آمده پس از صرف نهار در اطاقی جلیه در اطراف مین نشسته بلا تکلیف بهم نگاه میکردند کاهی فلنجی بیفت اطلاع میداد که الان آقایان فلان نقطه هستند این حالت لاکبتلی از ظهر الی یکساعت بنورب مانده دوام داشت سپس آقایان وزیر متفرق شدند

انجمن لوپن

مجلس (دربوا) شلای به ناشناس داده با کمال خوشحالی از منازعه خارج شد و لی هنوز ده قدم نرفته بود که نلسا شناس با ملحق گردید با کمال ادب اظهار کرد: آقا مرا به بخشید زیرا می خواهم مطلبی را از شماستفسار نمایم آیشما فقط بخیال خریدن همین چیز بزرگ باین منازعه رفته بودید؟

شده بود بقرار اطلاعاتی که از منابع رسمی بدست آمده است از جانبی در بین نبوده معین نام سراف شکستنی یک اعلیای از عبد الکریم نام برار داشته و مدتی بوده است که در عدلیه و محاکم شرعیه نظار نموده مشغول اتراف بوده است و بالاخره چون حقایق حق نشده عیبانی شده است و یکروز صبح از منزل خود مسلحاً حرکت کرده به بازار آمده اول عبد الکریم برارو بعد شیخ ابو نراب میچهد برار جانی را با دختر و مادرش مشغول نموده بود و فرار از محاکم شرعیه داشته اند مشغول می نماید فعلاً حکومت و ایداره قنونی مشغول پیدا کردن قالی هستند و می گویند محمد در شهر مخفی است

انجمن شهر

روز گذشته آقایان وزرا مقارن ظهر بدربار آمده پس از صرف نهار در اطاقی جلیه در اطراف مین نشسته بلا تکلیف بهم نگاه میکردند کاهی فلنجی بیفت اطلاع میداد که الان آقایان فلان نقطه هستند این حالت لاکبتلی از ظهر الی یکساعت بنورب مانده دوام داشت سپس آقایان وزیر متفرق شدند

روز گذشته آقایان وزرا مقارن ظهر بدربار آمده پس از صرف نهار در اطاقی جلیه در اطراف مین نشسته بلا تکلیف بهم نگاه میکردند کاهی فلنجی بیفت اطلاع میداد که الان آقایان فلان نقطه هستند این حالت لاکبتلی از ظهر الی یکساعت بنورب مانده دوام داشت سپس آقایان وزیر متفرق شدند

انجمن لوپن

مجلس (دربوا) شلای به ناشناس داده با کمال خوشحالی از منازعه خارج شد و لی هنوز ده قدم نرفته بود که نلسا شناس با ملحق گردید با کمال ادب اظهار کرد: آقا مرا به بخشید زیرا می خواهم مطلبی را از شماستفسار نمایم آیشما فقط بخیال خریدن همین چیز بزرگ باین منازعه رفته بودید؟

و آنچه تعلیمات از اداره هر مرکز صادر شده و برای اعنای رئیس الوزرا فرستاده است از ابتدای امر الی کنون با مینا رسیده و باین واسطه کلبه امر انتخابات ولایات مختل مانده است

انجمن شهر

روز گذشته آقایان وزرا مقارن ظهر بدربار آمده پس از صرف نهار در اطاقی جلیه در اطراف مین نشسته بلا تکلیف بهم نگاه میکردند کاهی فلنجی بیفت اطلاع میداد که الان آقایان فلان نقطه هستند این حالت لاکبتلی از ظهر الی یکساعت بنورب مانده دوام داشت سپس آقایان وزیر متفرق شدند

روز گذشته آقایان وزرا مقارن ظهر بدربار آمده پس از صرف نهار در اطاقی جلیه در اطراف مین نشسته بلا تکلیف بهم نگاه میکردند کاهی فلنجی بیفت اطلاع میداد که الان آقایان فلان نقطه هستند این حالت لاکبتلی از ظهر الی یکساعت بنورب مانده دوام داشت سپس آقایان وزیر متفرق شدند

انجمن لوپن

مجلس (دربوا) شلای به ناشناس داده با کمال خوشحالی از منازعه خارج شد و لی هنوز ده قدم نرفته بود که نلسا شناس با ملحق گردید با کمال ادب اظهار کرد: آقا مرا به بخشید زیرا می خواهم مطلبی را از شماستفسار نمایم آیشما فقط بخیال خریدن همین چیز بزرگ باین منازعه رفته بودید؟

جرات مقاومت میکرد - چه نسبت هنا یار نهندادند؟ امروز کسی که خود را آزادخواه معرفی میکند - میکوبد من دراستقرار مشروطیت کمک کرده ام - اظهار مبدارده که حکومت ایران باید مشروطه باشد - همین شخص خود را دشمن قانون اساسی - معزب اصول مشروطیت نشان میدهد!

انجمن شهر

روز گذشته آقایان وزرا مقارن ظهر بدربار آمده پس از صرف نهار در اطاقی جلیه در اطراف مین نشسته بلا تکلیف بهم نگاه میکردند کاهی فلنجی بیفت اطلاع میداد که الان آقایان فلان نقطه هستند این حالت لاکبتلی از ظهر الی یکساعت بنورب مانده دوام داشت سپس آقایان وزیر متفرق شدند

روز گذشته آقایان وزرا مقارن ظهر بدربار آمده پس از صرف نهار در اطاقی جلیه در اطراف مین نشسته بلا تکلیف بهم نگاه میکردند کاهی فلنجی بیفت اطلاع میداد که الان آقایان فلان نقطه هستند این حالت لاکبتلی از ظهر الی یکساعت بنورب مانده دوام داشت سپس آقایان وزیر متفرق شدند

انجمن لوپن

مجلس (دربوا) شلای به ناشناس داده با کمال خوشحالی از منازعه خارج شد و لی هنوز ده قدم نرفته بود که نلسا شناس با ملحق گردید با کمال ادب اظهار کرد: آقا مرا به بخشید زیرا می خواهم مطلبی را از شماستفسار نمایم آیشما فقط بخیال خریدن همین چیز بزرگ باین منازعه رفته بودید؟

اطباء اعضا کرده بودند. به مناسبتهن ممتله بنارالا استخای خود را قدیم پادشاه نمود و پادشاه قبول کرد. ۱۰ بحال هیچکس از طرف اعلیحضرت برای اشغال مقامات وزراء دعوت نشده است زیرا اقربا کلبه هم کارکن بنارالا از شر خسارچ بودند. محافل سیاسی چنین تصور مینمایند گشاه کردن راهامور تشکیل کابینه جدید خواهد کرد و او قبول خواهد کرد

انجمن شهر

روز گذشته آقایان وزرا مقارن ظهر بدربار آمده پس از صرف نهار در اطاقی جلیه در اطراف مین نشسته بلا تکلیف بهم نگاه میکردند کاهی فلنجی بیفت اطلاع میداد که الان آقایان فلان نقطه هستند این حالت لاکبتلی از ظهر الی یکساعت بنورب مانده دوام داشت سپس آقایان وزیر متفرق شدند

روز گذشته آقایان وزرا مقارن ظهر بدربار آمده پس از صرف نهار در اطاقی جلیه در اطراف مین نشسته بلا تکلیف بهم نگاه میکردند کاهی فلنجی بیفت اطلاع میداد که الان آقایان فلان نقطه هستند این حالت لاکبتلی از ظهر الی یکساعت بنورب مانده دوام داشت سپس آقایان وزیر متفرق شدند

انجمن لوپن

مجلس (دربوا) شلای به ناشناس داده با کمال خوشحالی از منازعه خارج شد و لی هنوز ده قدم نرفته بود که نلسا شناس با ملحق گردید با کمال ادب اظهار کرد: آقا مرا به بخشید زیرا می خواهم مطلبی را از شماستفسار نمایم آیشما فقط بخیال خریدن همین چیز بزرگ باین منازعه رفته بودید؟

جرايد فرانسه شرح حال زندگانی رئیس الوزرای جدید را ذکر کرده خاطر نشان می کنند که او هم مثل بنارلا و خبلی دیر از عالم تجارت داخل در عالم سیاست گشت . روزنامه ( نان ) می نویسد :

( لدوین ) از ارباب صنایع بود و بعد در مواقع مشکل کمک به اداره خزانه داری کل می کرد - سپس وزیر تجارت شد - بالاخره بوزارت مالیه نایل گشت و یاین ترتیب از هر جهت مسئله سرمایه و بکار انداختن آن را بخوبی می داند و برای رفع بحران خالیه انگلستان اطلاعاتش بسیار مفید خواهد بود

جریده ( دبا ) باین ترتیب رئیس الوزرای جدید را معرفی می کند :  
مرد ملام - فکور - روشن خیال معتاد به اداره کردن مضلات - در ستار متر ( بالدوین ) خبلی سیاست بنه ( بنارلا ) داد مشارالیه مدنی معاون رئیس الوزرای مستعفی یوز و دوست محرم او است مالیه مملکت را خبلی خوب اداره کرد و راجع به نادیه قروض انگلستان با آمریکا موفقیت بزرگی حاصل کرد . ( ب . ب )

انازونی - مجافل رسمی آمریکا از انتخاب ( بالدوین ) اظهار رضایت می کنند و اوصاف او را قدر دانی مینمایند میکویند ( پرزیدانت هاردینگ ) تعیین [ بالدوین ] را بسیار مقدر می کنند . تصور میزود انتخاب او موجب نصیبه قرض انگلیس به آمریکا خواهد شد . ( ب . ب )

روس و انگلیس  
ریکا - مطبوعات دولت تساوت نظریات غیر مساومت کارانه نسبت به انگلستان اتخاذ نموده اند و حتی احتمال میدهند که روابط بین دولتین قطع شود جریده ( ایزوستیا ) نظریه اشتراکین را اشاعت داده و چنین اظهار میدارد که اگر زن استقامت دهد روسیه عمال خود را در شرق احضار نخواهد کرد ( ر )

لندن - بنارلا وارد لندن شد بنظر خبلی خسته و مریض میباشد و رفقای خود را که برای استقبال نا ایستگاه راه آهن آمده بودند باشغال مینماخت ، ولی طرفداران وی خبلی مضطرب هستند و تصور نمینمایند بتوانند وظیفه خود را انجام دهد . در مراکز ریاست وزراء اطلاعی از تصمیم بنارلا ندارند و اشعار میدارند که قضایا منوط بعقیده اطباء در هفته آتی میباشد

کنفرانس اوزان

بخیه عمومی کمیته اقتصادی که بنا بود روز چهارشنبه ۲۳ مه تشکیل شود متعقد نشد و برای روز پنجشنبه هم دستور می معین نگردیده است نمایندگان عثمانی اظهار می کنند که جواب کسب تکلیف هائی که عصمت پاشا از دولت عثمانی کرده هنوز به اوزان واصل نگردیده است موسسو ( سرویز ) مدیر کل وزارت تجارت فرانسه امروز غامز پاریس است تا هر لدوین مواد راجعه به تجارت عثمانی و فرانسه شرکت جوید . این مواد منضم بعهدنامه صلح خواهند شد ( ب . ب )

سویس و روسیه  
یران - مجافل رسمی از این خبر که یکی از اشخاص مهم روسیه شریک در قتل ( واروسکی ) بود و با قاتل همدست بوده و بزودی دستگیر خواهد شد - اظهار بی اطلاعی می کنند . ( ب . ب )

مصرفه  
سلطان حسین پادشاه حجا لککرافی بعنوان ملت فلسطین مخابره کرده و چنین آشکار شده است که بموجب معاهده انگلیس و عرب دولت پادشاهی انگلستان قول داده است که متاعذت عملی برای تاسیس اتحادیه ممالک عرب که شامل بین النهرین و فلسطین و مملکت ماوراء و سایر ممالک عرب باستانای عدن باشد بعمل آورد . ابلاغیه که حکومت فلسطین

اشاعت داده است وعده رسمی در این موضوع میدهد و شما خاطر نشان میباشد که تا آنوقت تفهیرانی در نظامات سیاسی فلسطین داده نخواهد شد [ ر ]

مطبوعات خارج

از جرايد آنازونی

سیاحت سیاسی  
در ضمن خطابه اخیری که معاون اللوید جرج صدر اعظم سابق انگلستان در شهر باستون انشاء نموده است ، سطور ذیل جالب بسی توجه است :  
اگر بخوایم به زبان حقیقت صحبت کنیم باید اعتراف نمائیم که دنیا امروز در جنگی زندگانی می نماید که جز وحوش و طباع موجود دیگری در آن یافت نمی شود . همان طور که در زندگانی به استظهار ناخن و چنگال موجودیت خود را حفظ می کنند .

و پنجه را در خون حیوانات ضعیف آغشته می سازند . ملل متمدن دنیای کنونی هم با قشون بیری و جهازات بحری همدیگر را پاره پاره کرده و هنوز هم می کنند .  
از اظهارات مشار الیه چنین استنباط می شود که جنگ و خون ریزی فنا پذیر نیست و تا صبح روز قیامت بشر دست بگریبان همیدگر خواهند بود !  
مگر آنکه در تحت تاثیر يك انقلاب اخلاقی اصول صلح و مساومت بمعنی واقعی خود در قرون آتی بتدریج حکم فرما شود .

هر قدر بخوایم حقیقت را در لفافه پیچیم این نکته را نخواهیم توانست انکار کنیم که از نقطه نظر اصول انانیت و ملت دنیای امروز نسبت به اعصار منظمه تفاوت فاحشی حاصل نگرده است .  
چندین سال قبل رئیس جمهور عظیم القدر انازونی [ ابراهیم لیکونی ] گفت حقیقه معتقد بود که حکومت نیم آزاد و نیم بنده انازونی قابل دوام

نیمت . سبهاان بالاخره حقوق خود را بزور گرفتند . آزادی آنها را حکومت برسمیت شناخت .  
اما اشخاصی که بتاریخ آشنا هستند می دانند که این خلاصی و آزادی به قیمت خون هزاران هزار تنوس بی گناه تمام شد .  
امروز این معنی را می توانیم وسعت داده بگوئیم ، دنیا هرگز نمی تواند نیمه موبتور

هرج و مرج و نیمه منظم و آرام باشد باید آن قسمت دنباهم که در مصلح و سلم حالت رقت اور قسمت منشوش و پریشان را بای اعتنائی نظاره می کند ، نکاتی بخورد و اساس صلح عمومی را برای جاویسد مستقر نماید ، اینک میدان ا ترجمه از :  
روزنامه بومیه کبر یچین ساس داده بگوئیم ، دنیا هرگز نمی تواند نیمه موبتور

باظهار تاسف از اینکه بواسطه قبول مختصر خدمت صبحی از چند ماه باینطرف موفق بیدیرائی کامل از مرضی محترم خود نشده ام . فعلا که وضعیت اشتغال این جانب تا درجه در تحت انتظام آمده است اوقات پذیرائی از مراجعه کنندگان را ذیلا باطلاع عموم مبرساند :  
صبح ها از اول آفتاب الی ۳ ساعت قبل از ظهر - عصر هالز و ساعت قبل از غروب - الی مغرب حتی لا مکان .  
سفلیس عصر ها رجوع نمایند .  
ذره اعلان ۶۴ [ دکتر طبیب ادوله نفقی ]

قالب توجه اقایان مسافرین  
محل فروش باطوطوموبیل پستی طهران به قزوین میدان نوب خانه بالا  
خانه های جنب پست خانه  
شرکت حمل و نقل سرویس پستی  
نمره ۶۳ - ۳

طهران	فروش	پاریس
خرید	قران	فرانک
لندن مکتوبی	۴۰-۴۹	۵۵-۶۹
لندکرانی	۵۰-۴۹	۱۵۰-۱۵۰
پاریس	۷۳-	۰-۰۳
سویس	۲۰۲-	۲۲۹-
نپورک	۱۰-۷۳	۲۷۱-
رو پنه بیستی	۳۳۴-	
	۳۳۸-	

بورس

مطبعة بوسنیوف شعبه ( ۲ )

ا طاع  
باظهار تاسف از اینکه بواسطه قبول مختصر خدمت صبحی از چند ماه باینطرف موفق بیدیرائی کامل از مرضی محترم خود نشده ام . فعلا که وضعیت اشتغال این جانب تا درجه در تحت انتظام آمده است اوقات پذیرائی از مراجعه کنندگان را ذیلا باطلاع عموم مبرساند :  
صبح ها از اول آفتاب الی ۳ ساعت قبل از ظهر - عصر هالز و ساعت قبل از غروب - الی مغرب حتی لا مکان .  
سفلیس عصر ها رجوع نمایند .  
ذره اعلان ۶۴ [ دکتر طبیب ادوله نفقی ]

قالب توجه اقایان مسافرین  
محل فروش باطوطوموبیل پستی طهران به قزوین میدان نوب خانه بالا  
خانه های جنب پست خانه  
شرکت حمل و نقل سرویس پستی  
نمره ۶۳ - ۳

بورس  
طهران  
فروش  
پاریس

طهران	فروش	پاریس
خرید	قران	فرانک
لندن مکتوبی	۴۰-۴۹	۵۵-۶۹
لندکرانی	۵۰-۴۹	۱۵۰-۱۵۰
پاریس	۷۳-	۰-۰۳
سویس	۲۰۲-	۲۲۹-
نپورک	۱۰-۷۳	۲۷۱-
رو پنه بیستی	۳۳۴-	
	۳۳۸-	

مجموع کار کران مطالع مشغول رسیده ای و نجس شد و پس از جستجوی بسیار معلوم گردید که بلبط نمره ۵۱۴ - سری ۳۳ از شعبه بانک [ کردی لپونه ] در [ ورسای ] باسم مسبو ( بسی ) فرمانده نوبخانه صادر شده و مشار الیه هم روزی از اسب افتاده و مرده است و از روی شهادت رفقای فرمانده مرحوم به ثبوت رسیده که چند روز قبل از مرگش باطوطوموبیل را به یکی از رفقای خود اگذار نموده است .  
[ مسبو ( ذربوا ) میبکند : از هر که میخواهد سؤال کنید همه کن میداند که من یا مسبو ( بسی ) رفیق بودم و اغلب هم یکدیگر را در کافه [ میدان اسلحه ] ملاقات میکردیم و مخصوصاً روزی در همین کافه من بلبط نمره ۵۱۴ - سری ۳۳ را از او به مبلغ ۲۰ فرانک خریدم .  
از او میپریدند آیا کسی شاهد خرید شماست جواب میداد : خبر .  
میگفتند پس باچه سندی يك ملبون را مطالبه می کنید ؟  
جواب میداد : با کاغذی که مسبو بی درخصوص این بلبط بمن نوشته است .

اگر برای دریافت وجه بیرون او را مجبوس خواهند نمود . . .  
اکنون می دانم چه باید کرد !  
( سوزان ) متعجیانه سؤال کرد : پدرجان ، معلوم می شود خیال خوبی در سر دارید ؟  
جواب داد : تا آخرین درجه امکان باحیرت خودم جنگید تا اینکه بر او غالب بشوم . . . يك ملبون حق منست و نخواهم گذاشت دیگری آنرا ببلعد .  
چند دقیقه بعد لککرافی بدین مضمون صادر نمود :  
( مجمع مرگزی مطابع )  
[ کوچه [ کاپوسن ] پاریس .  
( مالک اصلی نمره ۵۱۴ - سری ۳۳ مطابق قانون هر دعوی خارجی را باطل میداند . )  
[ ذربوا ]  
تقریباً در همین لحظه لککراف دیگری هم بمضمون ذیل بمجمع مرگزی کار کران مطالع واصل شد :  
[ نمره ۵۱۴ - سری ۳۳ در صرف من است .  
[ آرسن لوپن ]

گفت : البته .  
پرسید : شما هیچ نشانه در دست ندارید ؟  
گفت : فقط يك نشانه می توانم بدم .  
پرسید : کدام است ؟  
جواب داد : فقط می توانم بگویم که بلبط در جعبه پاکت بوده است .  
پرسید : در همان جعبه که مفقود شده ؟  
جواب داد : آری ، و حتما سارق وجه آن را دریافت خواهد کرد .  
سوزان گفت : عجب بدبختی عظیمی است .  
پدرجان ، آیا شما نمی توانید کاری بکنید که ناشناس موفق بیدریافت وجه نشود ؟  
جواب داد : کمان نمی کنم ، چون سارق را مرد قادری می پندارم . مگر فراموش کرده ای که چجه مهارت میز تحریر را برود ؟  
آن وقت دغفاً مسبو ( ذربوا ) از جاجسته پارا بشدت بر زمین کوفت و گفت : خبر ، خبر ، هر کن نخواهم گذاشت يك ملبون را باین آسانی ببلعدا برای چه بگذارم ؟ هرچه زرنگ باشد کاری نمی تواند بکند .

گفت : پدرجان مگر فراموش کرده ای که باهم آن را در میز تحریر جا دادیم !  
پرسید : در کدام میز تحریر ؟  
جواب داد : همان میزی که دزد برد !  
پنجاره مسبو ( ذربوا ) از استماع این سخن بکلی خود را باخت و مبهوت شد ، و پس از لحظه چون به خود آمد دست دخترش را گرفته گفت : دختر جان ! آن جعبه يك ملبون ارزش داشت ( سوزان ) از سادگی اظهار داشت : پدر عزیزم ، چرا قبلاً مرا مطلع نفرمودید ؟  
[ ذربوا ] گفت : افسوس که تا چند دقیقه پیش از قیمت آن بی اطلاع بودم . در این جعبه بلبطی بود که يك ملبون میبرد .  
آن وقت مجدداً هر دو ساکت شدند و نامدنی همبچک جرئت نکم نداشتند . عاقبت ( سوزان ) سکوت را شکسته گفت : خوب ، پدر جان ، الساعة بروید و پول را دریافت کنید .  
مسبو ( ذربوا ) گفت : باچه نشانه ؟  
جواب داد : مگر نشانه هم لازم است !